

پژوهش‌های حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۶

هزار و سیصد و نود و هفت - زمستان

- ۷ رعایت اصل رقابت در انعقاد قراردادهای اداری
دکتر حسن ناعمه
- ۳۷ ترور بسم دولتی: پندار یا واقعیت؟!
نواب محمدی ده‌چشمه
- ۶۹ مطالعه تطبیقی معیار قابلیت پیش‌بینی ضرر در حقوق ایران و انگلستان
محسن جعفری بهزادکلای - دکتر حمید ابهری
- ۸۷ رعایت الزامات حقوقی و قانونی در قراردادهای جدید نفتی ایران (I.P.C.)
مهدی حقیقیان - دکتر علیرضا ابراهیم‌گل
- ۱۰۷ حقوق ایران نسبت به نقاط مداری از دیدگاه حقوق بین‌الملل
فرناز فروتنیان شهرابکی - دکتر فاطمه فتح‌پور
- ۱۳۳ جایگاه قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در میان منابع حقوق بین‌الملل
جمشید مظاهری
- ۱۵۹ آثار حقوقی تصمیم خروج کشورهای آفریقایی از دیوان بین‌المللی کیفری
محمد علیپور
- ۱۸۹ واکنش‌های کیفری عوام‌گرا در مقابله با جرایم خشونت‌بار در ایران
دکتر محمدباقر مقدسی - دکتر محمد فرجیها
- ۲۱۱ تعویق صدور حکم و آثار آن
محمدجواد علیزاده گودرزی - دکتر ابوالفتح خالقی
- ۲۳۷ نقش بیوتکنولوژی در برآورده شدن حق انسان‌ها بر تغذیه
سیده کیانا بنی‌کمالی
- ۲۵۵ جنایات جنگی سایبری
نگارنده: دیوید فیدلر - ترجمه: امین زحمتکش





واکنش‌های کیفی عوام‌گرا در مقابله با جرایم خشونت‌بار در ایران

دکتر محمدباقر مقدسی* - دکتر محمد فرجیها**

چکیده:

واکنش‌های کیفی پلیسی و قضایی مقابله با جرم‌های خشونت‌بار از ظرفیت‌های بالایی برای تأثیرپذیری از افکار عمومی و نفوذ اندیشه‌های عوام‌گرایانه برخوردار است. براین اساس بسیاری از مقام‌های انتظامی و قضایی مسئول کنترل جرم در کشورهای مختلف معمولاً با طرح وعده‌ها و شعارهای عامه‌پسند، ولی فاقد مبنای علمی، به دنبال جلب اعتماد عمومی نسبت به کارایی و اثربخشی این سیاست‌ها برمی‌آیند. این مقاله درصدد است با استفاده از روش نمونه‌پژوهی، ابعاد و جنبه‌های مختلف رویکردهای عوام‌گرایانه را در سیاست‌های کیفی ناظر بر مقابله با جرایم خشونت‌بار توصیف کند. در ابتدا ابعاد مختلف عوام‌گرایی کیفی در سطح حقوق کیفری تطبیقی مطرح و سپس ضمن جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک مرتبط با موضوع، جلوه‌های این نگرش در نظام عدالت کیفری ایران مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که سیطره اندیشه‌های عوام‌گرایانه بر حوزه تدابیر و اقدام‌های کنترل جرم‌های خشونت‌بار پیامدهای گوناگونی از جمله پاسخ‌های شتاب‌زده قانونگذار به انتظارات عمومی، نادیده انگاشتن موازین دادرسی عادلانه، اتخاذ تدابیر سرکوب‌گرانه و اجرای نمایش گونه جلسات محاکمه و کیفرها را به همراه داشته است.

کلیدواژه‌ها:

عوام‌گرایی کیفی، جرایم خشونت‌بار، سیاست‌های سخت‌گیرانه، پاسخ‌های کیفی شتاب‌زده، تدابیر نمایشی.

مقدمه

در دو دهه اخیر رویکردهای عوام‌گرا به‌عنوان یکی از جریان‌های نوظهور، بخش‌های وسیعی از سیاست‌های کیفری کشورهای مختلف را تحت تأثیر قرار داده است. برخی از جرم‌شناسان بر این باورند عوام‌گرایی کیفری باعث می‌شود در تدوین و اجرای سیاست‌های کیفری، جنبه‌های تبلیغاتی و جلب آرای مردم بر ابعاد کارآمدی و اثربخشی آنها اولویت یافته و مبنای نظری و عادلانه بودن این سیاست‌ها به حاشیه رانده شود. تحت تأثیر رویکردهای عوام‌گرا، مسائل پیچیده و غامض اجتماعی بیش از اندازه ساده‌سازی شده و پاسخ‌های سیاسی مقطعی و پیش‌پاافتاده مبتنی بر سخت‌گیری کیفری برای آنها در نظر گرفته می‌شود. در این نگرش، سیاست‌گذاران کیفری به جرم‌های شدیدی که توجه رسانه‌ها و افکار عمومی را به خود جلب می‌کنند به‌طور احساسی و گذرا پاسخ می‌دهند.^۱ به همین دلیل پاسخ‌های کیفری عوام‌گرا بیشتر ماهیت سخت‌گیرانه، امنیت‌مدار و احساسی دارند.^۲

عوام‌گرایی کیفری مدعی اتکاء به انتظارات و نظرات عامه مردم است، یعنی تدوین برنامه‌های کنترل جرم و اجرای آن بر اساس دیدگاه مردم عادی به‌ویژه افرادی که در مناطق جرم‌خیز زندگی می‌کنند، شکل می‌گیرد.^۳ تحت تأثیر این رویکرد، سیاست‌های کیفری از حوزه صلاحیت کارشناسان و متخصصان نظام عدالت کیفری خارج شده و به مجرای برای بازگو کردن علایق و خواسته‌های مشتریان نظام عدالت کیفری تبدیل می‌شوند.^۴

سیاست‌های کیفری عوام‌گرا از اندیشه‌های نخبگان فاصله می‌گیرد و بر مبنای تصمیم‌های ناگهانی و مقطعی تدوین می‌شوند نه بر اساس تحقیقات تجربی و اظهارنظرهای کارشناسی. عوام‌گرایی کیفری هنگامی ظهور می‌یابد که بی‌اعتمادی عمومی نسبت به عملکرد نهادهای عدالت کیفری و دادگاه‌ها افزایش می‌یابد.^۵ به باور برخی از جرم‌شناسان، عوام‌گرایی کیفری فرایندی است که از طریق آن «گروه‌های طرفدار سیاست‌های

1. Julian V. Roberts et al., *Penal Populism and Public Opinion: Lessons from Five Countries* (Oxford: Oxford University Press, 2003), 1-7.

۲. علی حسین نجفی ابرندآبادی، مباحثی در علوم جنایی: تقریرات درس سیاست جنایی (سیاست کیفری عمل‌گرا

– عوام‌گرا)، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، (۱۳۹۰-۱۳۸۹)، ۲۸۲۱.

3. Gerry Johnstone, "Penal Policy Making: Elitist, Populist or Participatory?," *Punishment and Society* 2(2) (2000): 161-164.

4. Judy Mcknight, "Speaking up for Probation," *The Howard Journal* 48(4) (2009): 332.

5. Liz Campbell, "Criminal Justice and Penal Populism in Ireland," *Legal Studies* 28 (4) (2008): 560-561.

سخت‌گیرانه مبتنی بر نظم و قانون»^۶ و افرادی که مدعی نمایندگی افکار عمومی هستند، تأثیر فزاینده‌ای بر سیاست‌های دولت می‌گذارند و دیدگاه‌های محققان و دانشگاهیان، گروه‌های طرفدار حقوق شهروندی و فعالان حوزه عدالت کیفری مجال چندانی برای ظهور پیدا نمی‌کنند.^۷

براین اساس عمده‌ترین جلوه‌های عوام‌گرایی کیفری عبارتند از: دوری از اندیشه‌های نخبگان، کسب مشروعیت و مقبولیت و در نتیجه جلب آرای عمومی، عامه‌پسند و جذاب و فاقد مبنای علمی و کارشناسی و تمرکز بر مقبولیت نزد عوام. با این اوصاف در تعریف عوام‌گرایی کیفری می‌توان گفت «رویکردی است که بر اساس آن سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری به منظور جلب آرای عمومی، کسب مشروعیت و حمایت عوام، بدون توجه به یافته‌های علمی و دیدگاه‌های نخبگان، سیاست‌ها و برنامه‌های کیفری را به‌طور نمایشی، احساسی، شتاب‌زده، عامه‌پسند و عموماً سخت‌گیرانه تدوین و اجرا می‌کنند.»^۸ بازنمایی گسترده و ژورنالیستی اخبار مربوط به جرایم خشونت‌بار^۹ در رسانه‌ها و تأثیر آن بر کاهش احساس امنیت عمومی، بستر مناسبی را برای نفوذ اندیشه‌های عوام‌گرا در حوزه کنترل جرایم خشونت‌بار فراهم کرده است. بالا بودن جذابیت خبری جرایم خشونت‌بار موجب شده است بازنمایی این دسته از رویدادهای جنایی در اولویت رسانه‌ها قرار گیرد. پژوهش‌های انجام‌شده نیز نشان می‌دهد اخبار مربوط به جرایم قتل، سرقت و آدم‌ربایی به ترتیب بالاترین میزان مخاطب را به خود اختصاص داده است.^۹ در نتیجه، سردبیران و مدیران رسانه‌ها تحت

6. Law and Order Groups.

7. John Pratt, *Penal Populism* (London: Routledge, 2007), 35.

۸. جرایم خشونت‌بار به سه دسته مهم تقسیم می‌شوند. خشونت علیه اشخاص، سرقت مسلحانه و جرایم جنسی که بدون رضایت یکی از طرفین ارتکاب می‌یابند. در دسته اول صرف‌نظر از چگونگی وقوع جرم و وسیله ارتکابی، جرایمی مانند قتل عمد، تهدید یا تباخی برای ارتکاب قتل و جراحت‌ها و صدمات عمدی شدید قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، استفاده از سلاح، اعم از سلاح سرد و گرم، در ارتکاب سرقت، معیار تفکیک سرقت مسلحانه از سرقت ساده بوده و آن را در شمار جرایم خشونت‌بار قرار می‌دهد. نک:

Michael Levi, Mike Maguire and Fiona Brookman, "Violent Crime," in *The Oxford Handbook of Criminology*, ed. Mike Maguire, Rod Morgan and Robert Reiner (Oxford: Oxford University Press, 2007), 693.

طبق این تقسیم‌بندی جرایم جنسی که با استفاده از زور و بدون رضایت بزه‌دیده ارتکاب می‌یابند نیز در شمار جرایم خشونت‌بار قرار می‌گیرند. باین‌حال، در بسیاری از موارد در آمارهای رسمی، جرایم جنسی به‌صورت مجزا از دیگر گونه‌های جرایم خشونت‌بار بیان می‌شوند. نک:

Martin O'Brien, and Majid Yar, *Criminology: The Key Concepts* (New York: Routledge, 2008), 177.

۹. حسین جوانمردی، «ارزیابی خوانندگان مطبوعات از انتشار اخبار حوادث»، *فصلنامه رسانه* ۳ (۱۳۸۴)، ۸۴.

تأثیر ارزش خبری جرایم خشونت‌بار علاقه وافری به انتشار اخبار این جرایم نشان می‌دهند. در مقابل، اخبار جرایم غیرخشونت‌بار مانند سرقت‌های ساده و خرد، به‌ندرت شانس انتشار در رسانه‌ها را پیدا می‌کنند، مگر اینکه وجود ویژگی خاصی مانند موقعیت سیاسی - اجتماعی بزه‌دیده و یا استفاده از روش‌های غیرمتعارف برای سرقت، ارزش خبری آن را افزایش داده باشد.^{۱۰}

تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد بین الگوهای انتشار اخبار جرایم خشونت‌بار در رسانه‌ها و میزان واقعی ارتکاب این جرایم رابطه منطقی وجود ندارد. به‌عنوان نمونه طبق ارزیابی‌های انجام‌شده در آمریکا درزمینه مقایسه اخبار جنایی رسانه‌ها و آمار رسمی در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۸۸، جرایم خشونت‌بار بسیار بیشتر از آنچه ارتکاب می‌یابند در رسانه‌ها منتشر می‌شوند. بر اساس این ارزیابی در بازه زمانی مذکور، نسبت گزارش اخبار جرایم خشونت‌بار در مقایسه با جرایم علیه اموال ۸ به ۲ بوده است، درحالی‌که طبق آمارهای رسمی میزان ارتکاب جرایم علیه اموال نسبت به جرایم خشونت‌بار ۹ به ۱ بوده است.^{۱۱}

با توجه به تأثیر رسانه‌ها بر شکل‌گیری افکار عمومی نسبت به جرم، بازنمایی گسترده اخبار جرایم خشونت‌بار در رسانه‌ها باعث می‌شود مردم تصور کنند که روند ارتکاب این جرایم رو به افزایش است و در نتیجه ترس از بزه‌دیدگی این جرایم در میان مردم افزایش می‌یابد. علاوه بر این، ضعف و ناتوانی مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی در ارائه راه‌حل‌های علمی و اثربخش و استفاده ابزاری مقام‌های سیاست‌جنایی از رسانه‌ها برای توجیه تدابیر سرکوبگرانه، موجب شده است سازوکارهای احساسی، مقطعی و سخت‌گیرانه عوام‌گرا بر راهکارهای زیربنایی و علمی بلندمدت برتری داده شوند.

در این مقاله جلوه‌های گوناگون سیاست‌های کیفری تقنینی و قضایی عوام‌گرا در سال‌های اخیر و به‌ویژه به دنبال ارتکاب حوادث جنایی مهم، مورد تحلیل قرار گرفته است. ابتدا به واکنش‌های شتاب‌زده قانونگذار در برابر انتظارات عمومی پرداخته می‌شود. علاوه بر این، در این رویکرد تلاش می‌شود فرایند رسیدگی و اجرای مجازات به سرعت انجام شود، به‌گونه‌ای که بیم آن می‌رود در اثر این امر حقوق متهم نادیده گرفته شود. از سوی

10. Clive Emsley, "Historical Perspective on Crime," in *The Oxford Handbook of Criminology*, ed. Mike Maguire, Rod Morgan, and Robert Reiner (Oxford: Oxford University Press, 2007), 127-128.

11. Marsh, H.L., "A Comparative Analysis of Crime Coverage in Newspaper in the United States and other Countries from 1960-1988: A Review of the Literature," *Journal of Criminal Justice* 19(1) (1997): 73-76.

دیگر، تحت تأثیر این رویکرد سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه و سازوکارهای نمایشی در محاکمه و اجرای مجازات‌ها اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. تأکید این مقاله بر تجزیه و تحلیل و توصیف این جلوه‌هاست.

۱- واکنش‌های شتاب‌زده قانونگذار کیفری

یکی از جلوه‌های نفوذ رویکردهای عوام‌گرایانه در سیاست کیفری ناظر بر جرایم خشونت‌بار، توسل سیاست‌گذاران به واکنش‌های کیفری شتاب‌زده با هدف فرونشاندن خشم و نفرت عمومی و احساسات جریحه‌دار شده مردم است، بدون اینکه پیامدها و نتایج اتخاذ این واکنش‌ها پیشتر مورد ارزیابی قرار گرفته باشد. تصویب فوریت «طرح تشدید مبارزه با جرایم خشونت‌بار» در مجلس شورای اسلامی بلافاصله پس از وقوع چند حادثه خشونت‌بار در کشور را می‌توان از نمادهای بارز این نوع واکنش‌ها دانست.

اولین حادثه مربوط به پرونده موسوم به قتل میدان کاج بود. در این پرونده (۶ آبان سال ۱۳۸۹) متهم به خاطر رقابت عشقی با بزه‌دیده، با ضربات متعدد چاقو وی را در برابر چشمان عدّه زیادی از رهگذران و کسبه به قتل می‌رساند. عوامل متعددی چون فیلم‌برداری شاهدان از این حادثه و انتشار گسترده آن در فضای مجازی، بی‌اعتنایی رهگذران به درخواست کمک فرد مجروح به دلیل تهدیدهای فرد ضارب، تأخیر پلیس در حضور در صحنه جرم و بی‌اعتنایی وی نسبت به حمایت از جان بزه‌دیده این واقعه را به یک پرونده ملی و حیثیتی تبدیل کرد و احساسات و خشم عمومی را نسبت به عدم امنیت و بی‌دفاعی شهروندان حتی در میدان‌های اصلی و پُررفت و آمد شهر برانگیخت.

چند ماه بعد از این حادثه یعنی در تیر ماه سال ۱۳۹۰ نیز دو حادثه قتل دیگر به وقوع پیوست. پرونده اول (۱۵ تیر ماه)، مربوط می‌شود به پسر دانشجویی که پس از خواستگاری از هم‌کلاسی‌اش وقتی از او پاسخ منفی دریافت می‌کند، تصمیم به قتل وی می‌گیرد و او را با چندین ضربه چاقو در منطقه پرتردد پل مدیریت به قتل می‌رساند.^{۱۲} حدود یازده روز پس از این حادثه، نوجوان ۱۷ ساله‌ای به دلیل برخورد آیینیه ماشینش به ماشین روح‌اله داداشی، قوی‌ترین مرد ایران، در کرج با او درگیری لفظی پیدا می‌کند و در کمال ناباوری وی را با

۱۲. «قتل دلخراش دختر دانشجوی تهرانی»، جهان‌نیوز، ۱۵ تیر ۱۳۹۰.

چاقو به قتل می‌رساند (۲۶ تیر).^{۱۳} بازتاب گسترده اخبار این حوادث خشونت‌آمیز در رسانه‌ها قانونگذار ایران را بر آن داشت تا در واکنشی عجولانه نسبت به احساسات جریحه‌دار شده مردم، در ۹ مرداد ۱۳۹۰ طرح تشدید مبارزه با جرایم خشونت‌بار را با قید دو فوریت به مجلس شورای اسلامی ارائه کند.

تحلیل گفتمان نمایندگان مجلس در فرایند بررسی و تصویب این طرح و همچنین بررسی محتوای مواد مختلف طرح پیشنهادی، جلوه‌های گوناگونی از اندیشه‌های غیرکارشناسی و عامه‌پسندانه را نشان می‌دهد. پیشنهاددهندگان طرح تشدید مبارزه با جرایم خشونت‌بار ارائه این طرح را در راستای اقناع وجدان عمومی و پاسخ‌گویی به انتظارات مردم از مجلس دانسته‌اند. یکی از نمایندگان موافق در دفاع از این طرح می‌گوید: «طراحان می‌خواهند با توجه به وقایع اخیر در جامعه پاسخی به احساسات مردمی بدهند.»^{۱۴} این اظهارات واکنشی بودن و مقطعی بودن طرح پیشنهادی را مورد تأیید قرار می‌دهد. یکی دیگر از نمایندگان ضمن اشاره به دعوت مجلس از مسئولان انتظامی و قضایی برای بررسی وقایع جنایی خشونت‌بار و تأکید بر ضرورت پاسخ‌گویی به مطالبات مردمی اظهار می‌دارد: «مردم می‌پرسند که نتیجه دعوت مسئولان برای بررسی امنیت اجتماعی چه بود؟ لذا تصویب دو فوریت این طرح می‌تواند پاسخی باشد به این پرسش.»^{۱۵}

این درحالی است که تمرکز بخش عمده‌ای از اعتراض‌ها و انتقادهای عمومی پس از مشاهده فیلم ویدئویی و تصاویر این حوادث، به‌ویژه حادثه میدان کاج، بر واکنش ضعیف نیروی انتظامی به این حادثه و عدم اقدام به‌موقع پلیس حاضر در صحنه برای نجات جان بزه‌دیده بوده است و کمتر سخنی از خلأهای قانونی به میان آمده است. تأکید برخی از نمایندگان بر کنترل جرایم خشونت‌بار از طریق اصلاح قوانین کیفری درحالی است که هیچ پژوهش دانشگاهی مستقلی ارتباط میان رفع خلأ قانونی و تأثیر احتمالی آن بر کاهش جرایم خشونت‌بار را تأیید نکرده است. به‌رغم این امر، پیشنهاددهندگان طرح اصرار دارند ریشه برخی از جرایم خشونت‌بار را در ضعف قوانین و مقررات موجود جستجو کنند و از طریق

۱۳. «جزئیات قتل یکی از قوی‌ترین مردان جهان»، سایت خبری تابناک، ۲۶ تیر ۱۳۹۰، <https://www.tabnak.ir/fa/news/177524>.

۱۴. «موافقت نمایندگان با یک فوریت طرح تشدید مبارزه با جرایم خشونت‌بار»، خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا»، ۹ مرداد ۱۳۹۰، ۹۰۵۶۲۱۲-۹۰۵۶۲۱۲، <https://www.isna.ir/news/9005-06212>.

۱۵. همان.

پیشنهاد طرح مذکور، ضمن برجسته کردن نقش قانونگذاری کیفری در کنترل جرم، خود را همسو و هم‌داستان با افکار عمومی و رسانه‌ها نشان دهند. یکی دیگر از نمایندگان نیز در دفاع از دو فوریت طرح اظهار می‌دارد: «عده‌ای با گردن کلفتی و زیر پا گذاشتن قانون، ناامنی ایجاد می‌کنند. این موضوع زینده نظام اسلامی ما نیست، اگرچه نیروی انتظامی با این موارد برخورد می‌کند، اما الزام قانونی که فضا را برای این افراد ناامن کند خلأیی محسوس است.»^{۱۶} هرچند، مخالفت برخی نمایندگان با دو فوریت طرح تصویب موجب شد یک فوریت طرح مذکور به تصویب رسیده و موضوع برای بررسی بیشتر به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی ارجاع شود.^{۱۷}

جنبه‌هایی از این واکنش کیفری شتاب‌زده و عامه‌پسند را می‌توان در تحلیل محتوای طرح مذکور نیز به‌وضوح مشاهده کرد. بهره‌گیری از عبارات و واژگان مبهم و تفسیرپذیری مانند «جریحه‌دار شدن وجدان جامعه» یا «اخلال در نظم عمومی» از نمادهای این رویکرد به حساب می‌آیند. برای نمونه، ماده ۱ طرح مذکور که به‌عنوان ماده ۱۹ الحاقی به قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب پیشنهاد شده می‌گوید: «به‌منظور افزایش امنیت عمومی جامعه در مواردی که به علت ارتکاب جرایم خشونت‌بار از قبیل قتل و جرح‌های بدنی عمدی، تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه، اسیدپاشی، آدم‌ربایی، جرایم منجر به ایجاد ناامنی و جرایم علیه کودکان (به تشخیص رئیس دادگستری استان) وجدان جامعه جریحه‌دار یا نظم عمومی جامعه مختل شود، به دستور وی دادرسی به‌صورت علنی و در رسانه‌های عمومی منتشر می‌شود...». برگزاری علنی جلسات دادرسی آن هم در پرونده‌هایی که به دلیل خشونت‌آمیز بودن افکار عمومی جامعه را به‌خود جلب کرده است زمینه‌های مناسبی را برای اتخاذ تدابیر سخت‌گیرانه برعلیه متهمان فراهم می‌آورد و ممکن است جلسات دادگاه را به نوعی صحنه تئاتر و نمایش تبدیل کند.

۱۶. همان.

۱۷. از دیدگاه یکی از نمایندگان مخالف، شدت عمل کیفری راهکار مناسب برای مبارزه با این جرایم نیست و باید تدابیر پیشگیرانه بر سازوکارهای سرکوب‌گر اولویت داشته باشند. در اظهارات این نماینده آمده است: «کسانی که دچار جرایم خشونت‌بار می‌شوند در شرایط روحی و روانی خاصی به سر می‌برند و در هنگام جرم به عواقب آن فکر نمی‌کنند، لذا ما باید بستر جرایم خشونت‌بار را از بین ببریم، در این راه، درمان کار، پیشگیری از وقوع جرم است... در اینجا مشکل اصلی مشکل قانون نیست، مشکل اجرای قانون است. ما می‌توانیم با استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود جلوی این وقایع خشونت‌بار را بگیریم.» نک: همان.

نمونه دیگری از طرح‌های پیشنهادی عجولانه و عامه‌پسند در حوزه قانونگذاری کیفری را می‌توان در «طرح تشدید مجازات جرایم اخلال در امنیت روانی جامعه» مشاهده کرد. نمایندگان پیشنهاددهنده این طرح با استناد به حوادث جنایی خشونت‌بار تلاش کرده‌اند از طریق وضع سیاست‌های سخت‌گیرانه مانند تشدید مجازات، ممنوعیت اعطای تخفیف و تعلیق مجازات و تشکیل ستاد نظامی و اجرایی برای رسیدگی به اتهام‌های مرتکبان جرایم مشمول طرح، به آنچه که انتظارات مردم از نظام عدالت کیفری خوانده می‌شود پاسخ گویند.^{۱۸}

ارائه این‌گونه طرح‌های شتاب‌زده از سوی نمایندگان مجلس آن هم پس از وقوع حوادث جنایی خشونت‌بار و بازنمایی گسترده آن درحالی است که تاکنون ارتباط معناداری میان تشدید قوانین کیفری و کاهش میزان جرایم خشونت‌بار شناسایی نشده است. برعکس، برخی از این طرح‌ها در صورت تصویب و اجرا موجب افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها و برچسب‌زنی به طیف وسیع‌تری از رفتارهای جوانان و نوجوانان بزهکار شده و به‌طور ناخواسته آنها را در مسیر حرفه‌های مجرمانه قرار می‌دهد.

به همین دلیل، با گذشت زمان و پس از فروکش کردن احساس خشم و نفرت عمومی از این حوادث جنایی، وقتی این طرح‌ها در معرض نقد و داوری‌های علمی قرار می‌گیرند فقدان مبنای علمی و کارشناسی آن بیش‌ازپیش آشکار می‌شود. برای نمونه، پس از ارجاع «طرح تشدید مجازات جرایم اخلال در امنیت روانی جامعه» به مرکز پژوهش‌های مجلس، کارشناسان این مرکز نقدهای بسیاری را به این پیشنهاد وارد کردند،^{۱۹} به‌گونه‌ای که به‌رغم موافقت تعداد زیادی از نمایندگان با فوریت طرح، هنوز به تصویب نهایی مجلس نرسیده است.

۱۸. در ماده ۶ طرح آمده است: «مجازات جرایم موضوع این قانون قابل تخفیف، تبدیل و تعلیق نیست.» این درحالی است که بر اساس مقررات کنونی ازجمله ماده ۱۸۵ قانون مجازات اسلامی، مجازات محاربه نسبت به سارق مسلح اجرا شده و از آنجایی که مجازات محاربه از نوع مجازات‌های حدی است بنابراین حکم این ماده مبنی بر ممنوعیت تخفیف، تبدیل و تعلیق مجازات زاید است. جلیل امیدی، «ارزیابی انتقادی طرح تشدید مجازات جرایم اخلال در امنیت روانی جامعه» در *تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)*، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: میزان، ۱۳۸۸)، ۵۳.

۱۹. دفتر مطالعات حقوقی، «خلاصه گزارش اظهارنظر کارشناسی درباره طرح تشدید مجازات جرایم اخلال در امنیت روانی جامعه» (گزارش کارشناسی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷)، ۱-۲.

۲- نادیده انگاشتن موازین دادرسی کیفری

به حاشیه رانده شدن موازین دادرسی عادلانه و تأثیرپذیری کیفیت ادله و روند دادرسی از فضای احساسی حاکم بر رسانه‌ها و جامعه یکی دیگر از نمادهای عوام‌گرایی در سیاست‌های کیفری ناظر بر جرایم خشونت‌بار است. عوام‌گرایی کیفری بر این اندیشه استوار است که واکنش‌های شدید کیفری از یک سو این اخطار را به متهمان و مرتکبان جرایم خواهد داد که دستگاه قضایی تسامحی در برابر آنها نخواهد داشت و نقض هنجارهای اجتماعی در سریع‌ترین زمان ممکن پاسخ داده خواهد شد. از سوی دیگر، پاسخ‌های سریع و شدید، اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را افزایش خواهد داد. از آنجایی که پس از ارتکاب جرم احساسات عمومی جریحه‌دار شده، تأخیر در پاسخ‌گویی موجب می‌شود به تدریج مردم نسبت به احساس مسئولیت نظام عدالت کیفری در زمینه تأمین امنیت ناامید شوند. طرفداران این رویکرد تلاش می‌کنند از طریق استناد به نظریه‌های برخی از اندیشمندان حقوق کیفری، اتخاذ این رویکرد را موجه جلوه داده و به آن مشروعیت دهند. از این رو معتقدند همان‌گونه که «سزار بکاریا»^{۲۰} نیز بیان کرده سرعت در اجرای کیفر بسیار مفید است. چون هرچه فاصله میان زمان ارتکاب جرم و مجازات کوتاه‌تر باشد تداعی دو مفهوم جرم و کیفر در ذهن انسان قوی‌تر و پایدارتر خواهد بود، به نحوی که انسان رفته‌رفته یکی را علت و دیگری را معلول ضروری و حتمی به‌شمار می‌آورد.^{۲۱}

بالین‌حال، به نظر می‌رسد دیدگاه اندیشمندانی مانند بکاریا تفاوت بسیاری با رویه‌های عوام‌گرایانه دارد. درحالی‌که بکاریا بر خودداری از تعلل بی‌مورد در اجرای کیفر تأکید می‌کند، عوام‌گرایی و جلب اعتماد عمومی به واکنش‌های سریع و احساسی منجر می‌شود. از یک سو تأکید بر سرعت نامعقول در رسیدگی، احتمال خطا و اشتباه و قضاوت‌های ناعادلانه را به میزان زیادی افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، هرچند رسیدگی به اتهام‌ها در مدت زمان معقول یکی از معیارهای مهم دادرسی منصفانه است، ولی مدت زمان معقول دو وجه دارد: اطلاع و تسریع غیرمعقول. بدین‌معنا که همان‌گونه که اطلاع غیرمنصفانه فرایند رسیدگی، موجب نقض حقوق متهم می‌شود، سرعت غیرمعقول دادرسی، به‌ویژه در جرایم مهمی که مجازات آنها شدید است، نقض حقوق متهم و عدول از معیارهای دادرسی منصفانه محسوب می‌شود.

20. Cesare Beccaria.

۲۱. سزار بکاریا، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی (تهران: میزان، ۱۳۸۵)، ۸۴.

از آنجایی که جرایم خشونت‌بار معمولاً واکنش‌های شدید کیفری از جمله حبس‌های بلندمدت و اعدام را به همراه دارند، هرگونه اشتباه قضایی در اثر تسریع غیرمعقول در فرایند دادرسی ممکن است به پیامدهای جبران‌ناپذیری بینجامد.^{۲۲}

تأکید بیش از اندازه دستگاه قضایی بر سرعت بخشیدن به فرایند محاکمه و مجازات مرتکبان جرایم خشونت‌بار را می‌توان در سیاست‌های رسمی و بخشنامه‌های متعدد مشاهده کرد. برای نمونه، در بخشنامه شماره م/۱۶۳۰۷-۱/۲۹-۱۳۶۹/۰۱ آمده است به‌منظور تسریع در رسیدگی به جرایم خشونت‌بار مانند قتل‌های فجیع، تهاجم‌ها و سرقت‌های مسلحانه، ربودن شخص یا اشخاص به قصد قتل یا سرقت اموال یا هتک ناموس به عنف «۴- پس از انجام تحقیقات مقدماتی و تکمیل پرونده و صدور کیفرخواست از طرف دادسرا، بلادرنگ پرونده به دادگاه کیفری صالح ارجاع شده و رسیدگی در دادگاه بدون تعیین وقت و خارج از نوبت شروع و حکم شرعی و قانونی صادر می‌گردد؛ ۵- پس از صدور حکم در صورتی که محکوم‌علیه به حکم صادره اعتراض نماید، فوراً پرونده توسط پیک به دیوان عالی کشور ارسال گردیده و رئیس دیوان عالی کشور پرونده را جهت رسیدگی خارج از نوبت به شعبه ویژه یا یکی از شعب دیگر دیوان عالی کشور ارجاع می‌نماید؛ ۶- حکم صادره از دیوان عالی کشور جهت ملاحظه و دستور اجرای آن به نظر رئیس قوه قضائیه رسیده و سپس توسط پیک اعزام‌شده عودت داده می‌شود.»^{۲۳}

ورود این بخشنامه در جزئیات مربوط به مکاتبات قضایی و تأکید بر واژگانی چون «ارسال بلادرنگ پرونده از دادسرا به دادگاه»، «رسیدگی بدون تعیین وقت و خارج از نوبت»، «ارسال پرونده از طریق پیک و بازگرداندن آن از طریق پیک اعزام‌شده» همگی حکایت از محدود کردن اختیارات قضایی در رسیدگی دقیق به پرونده و اولویت دادن سرعت به کیفیت در رسیدگی‌های قضایی دارد. به نظر می‌رسد این شیوه رسیدگی بیشتر از آنکه ناظر بر رعایت موازین دادرسی عادلانه و افزایش کیفیت و اعتبار فرایند قضایی باشد، به دنبال کسب رضایت افکار عمومی و انتظارات رسانه‌ای است.

پیامدهای این‌گونه فرایندهای رسیدگی شتاب‌زده و فاقد ویژگی‌های یک دادرسی استاندارد وقتی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم نظام تعقیب کیفری از مداخله در برخی عناوین

۲۲. امیدی، پیشین، ۵۳.

۲۳. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، مجموعه بخشنامه‌ها (قوه قضائیه) (قم: انتشارات معاونت آموزش و

تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۲)، جلد دوم، ۱۶۵-۱۶۴.

مجرمانه مانند تجاوز به عنف منع شده و دادگاه مسئولیت تحقیقات مقدماتی، تعقیب، محاکمه و نیز صدور حکم را به‌طور هم‌زمان انجام می‌دهد. یکی بودن نهاد تعقیب و رسیدگی می‌تواند اصل بی‌طرفی دادگاه‌های کیفری را زیر سؤال برده و حقوق دفاعی متهم را به‌طور جدی در معرض مخاطره قرار دهد.

تجزیه و تحلیل فرایند رسیدگی به تعدادی از پرونده‌های جرایم خشونت‌بار در دو سال اخیر جنبه‌های مهمی از رویکرد عوام‌گرایی کیفری را آشکار می‌سازد. برای نمونه، پس از حادثه قتل میدان کاج (۶ آبان ۱۳۸۹) دادگاه رسیدگی به پرونده، با تشکیل یک جلسه شش‌ساعته و اخذ آخرین دفاع از متهم، پایان رسیدگی را اعلام و به صدور حکم اعدام در ملاعام مبادرت کرد. درحالی‌که در جلسه دادگاه وکلای مدافع متهم از قاضی پرونده تقاضای مهلت برای مطالعه پرونده را داشتند^{۲۴} و هنوز جنبه‌های بسیار مهمی از موضوع مانند نقش زن متهم پرونده در معاونت در قتل، امکان مصرف شیشه و ارتکاب عمل بر اثر مصرف این دارو، ادعای متهم دال بر استفاده مقتول از اسپری و پاشیدن گاز اسپری به‌صورت وی، بررسی امکان ابتلای متهم به جنون ادواری توسط پزشکی قانونی، تأثیر اظهارات تحریک‌آمیز مقتول بر ایجاد درگیری، روابط پیشین قاتل و مقتول با متهم زن پرونده و ده‌ها پرسش و ابهام دیگر هنوز برای دادگاه محرز نشده بود.

ظاهراً قضات دادگاه کیفری استان با توجه به انتشار فیلم‌های منتشرشده از سوی شاهدان در صحنه جرم نیازی به بررسی بیشتر احساس نکرده‌اند، درحالی‌که آنچه در فیلم حادثه نشان داده می‌شود، صحنه پس از ورود ضربات چاقو به بزه‌دیده و ممانعت مرتکب از کمک‌رسانی به وی است و صرف ارتکاب عمل لزوماً به معنای برخورداری مرتکب از اراده و مسئولیت کیفری نیست. درنهایت پس از یک جلسه دادرسی یک‌روزه، حکم اعدام متهم صادر (۱ آذر) و به فاصله ۴۵ روز در دیوان عالی کشور تأیید و در ملاعام اجرا شد.^{۲۵}

در دو پرونده قتل دیگر که به دلایل خاصی از پوشش رسانه‌ای زیادی برخوردار بودند، تمامی مراحل کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، تعقیب کیفری، رسیدگی، صدور و اجرای حکم

۲۴. «گزارش خراسان از جزئیات جلسه علنی دادگاه جنایت سعادت‌آباد»، *روزنامه خراسان*، ۱۷۷۰۵، ۱ آذر ۱۳۸۹، ۱۳.

۲۵. «قاتل میدان کاج قصاص شد»، سایت خبری تابناک، ۱۵ دی ۱۳۸۹،

اعدام، در بازه زمانی حدود دو ماه انجام شد.^{۲۶} این در حالی است که میانگین مدت زمان رسیدگی به پرونده‌های قتل در شرایط عادی معمولاً کمتر از یک سال نخواهد بود. این شیوه بازنمایی رسانه‌ای و وجود شرایط خاص در برخی از پرونده‌های کیفری فرایند رسیدگی را از مسیر عادی خود خارج کرده و نگرانی‌هایی را در مورد میزان رعایت حقوق دفاعی متهم در فرایند کیفری مطرح می‌سازد.

۳- بزرگ‌نمایی آثار پیش‌گیرنده واکنش‌های کیفری سخت‌گیرانه

یکی دیگر از جلوه‌های تأثیرگذاری عوام‌گرایی کیفری بر سیاست‌های کنترل جرایم خشونت‌بار، گرایش به حمایت از جامعه از طریق تشدید پاسخ‌های کیفری است. طرفداران این رویکرد معتقدند ویژگی‌های خاص جرایم خشونت‌بار مانند استفاده از سلاح برای ارتکاب آنها و همچنین شدت آسیب‌های ناشی از این جرایم، نشانگر خطرناکی مرتکبان و عدم امکان اصلاح و بازپذیری اجتماعی آنهاست. علاوه بر این، پیشگامان این رویکرد با تأکید بر جنبه‌های ناتوان‌سازی مجازات‌ها، هرگونه تسامح و ارفاق نسبت به مجرمان جرایم خشونت‌بار را موجب بی‌اعتمادی و روی‌گردانی مردم از سیاست‌های کیفری می‌دانند. از این رو تأکید بر سازوکارهای سخت‌گیرانه و جنبه‌های ناتوان‌سازی مجازات‌ها به تدریج به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های گفتمان مدیران عدالت کیفری تبدیل شده است.

تعیین مجازات‌های طولانی‌مدت برای این‌گونه مجرمان عموماً با استناد به اهداف بازدارندگی و ارعاب توجیه می‌شود. در سال‌های اخیر برای توجیه بهره‌گیری از مجازات‌های حبس طولانی‌مدت بر اهدافی مانند «حمایت از عموم مردم»^{۲۷} یا آنچه در آمریکا به‌عنوان کارکرد «ناتوان‌سازی»^{۲۸} مجازات نامیده می‌شود، استناد شده است. قوانین کیفری بسیاری از نظام‌های کیفری نیز از این رویکرد تأثیر پذیرفته‌اند. برای نمونه، در «قانون عدالت کیفری»^{۲۹} انگلستان، اعمال حبس‌های طولانی‌مدت برای مجرمان جرایم خشونت‌بار در راستای حفاظت از عموم مردم مجاز شناخته شده است. «قانون تعیین مجازات»^{۳۰} انگلستان نیز برای افرادی که برای دومین بار مرتکب جرم خشونت‌بار می‌شوند، مجازات حبس ابد در نظر گرفته است.

۲۶. «قاتل روح‌الله داداشی در ملأعام اعدام شد»، خبرآنلاین، ۳۰ شهریور ۱۳۹۰.

<http://www.khabaronline.ir/news-174446.aspx>.

27. Public Protection.

28. Incapacitation.

29. Criminal Justice Act (2003).

30. Crime (Sentencing) Act (1997).

علاوه‌براین، در این نظام‌ها محدودیت‌های بیشتری نسبت به این‌گونه مجرمان اعمال می‌شود. برای نمونه نظام اعطای آزادی مشروط به مجرمان جرایم خشونت‌بار به‌نحو قابل‌ملاحظه‌ای محدود شده است و محکومان این جرایم پس از تحمل محکومیت نیز مشمول نظارت‌های پلیسی و مدیریت خطر قرار می‌گیرند.^{۳۱} این در حالی است که به‌ندرت داده‌های علمی را می‌توان یافت که اندیشه حمایت از جامعه از طریق سیاست‌های سخت‌گیرانه را تأیید کند. اتخاذ این رویکرد علاوه‌بر افزایش جمعیت کیفری و تحمیل هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی هنگفت به بودجه عمومی، واجد آثار و پیامدهای پیشگیرانه نبوده است و به نظر می‌رسد این سیاست‌ها تنها با هدف جلب افکار و حمایت عمومی به کار گرفته می‌شود.

جلوه‌هایی از این رویکرد را می‌توان در سیاست کیفری ایران نسبت به جرایم خشونت‌بار نیز مشاهده کرد. نگاهی به اظهارات مدیران انتظامی و قضایی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که توسل به ابزارهای سخت‌گیرانه نسبت به جرایم خشونت‌بار از جمله سرقت مسلحانه، استفاده‌کنندگان از سلاح سرد و همچنین افرادی که به‌عنوان اراذل و اوباش معرفی می‌شوند، به یکی از ویژگی‌های اصلی گفتمان مقام‌های سیاست‌جنایی تبدیل شده است. برای نمونه بخشنامه شماره ۱۳۸۰/۱۰/۰۴-۱/۸۰/۱۸۸۲۶ قوه قضائیه متذکر می‌شود: «برخورد قاطع با مرتکبان جرایم خشونت‌بار مانند اراذل و اوباش و مهاجمان مسلح موجب حمایت از تلاش‌های کاشفان بزه و دلگرمی عوامل ضابط در ایجاد امنیت اجتماعی خواهد شد.»^{۳۲}

ترویج و ترغیب برخوردهای سخت‌گیرانه و نفوذ رویکردهای احساسی و فاقد مبنای حقوقی مانند دلگرمی ضابطین دادگستری در نهادهای قضایی که مسئولیت ارزیابی بی‌طرفانه ارزش و اعتبار ادله ارائه‌شده علیه متهم را برعهده دارند را می‌توان از جلوه‌های عوام‌گرایی به شمار آورد. هرچند به نظر می‌رسد این بخشنامه‌ها معمولاً در پاسخ به گالیبه‌ها و انتقادهای مطرح‌شده از سوی نهادهای امنیتی و انتظامی مبنی بر برخورد توأم با مسامحه مقام‌های قضایی با مجرمان جرایم خشونت‌بار صادر می‌شوند. با این حال، همسویی دادگاه‌ها و مراجع قضایی با خواسته‌ها و انتظارات واحدهای امنیتی و انتظامی می‌تواند مخاطره‌های بسیاری را به همراه داشته باشد.

31. Levi, Maguire and Brookman, op.cit, 719-720.

۳۲. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، پیشین، ۷۸۴-۷۸۱.

مضاف بر این، گزارش‌های رسمی ارائه‌شده از سوی مقام‌های مسئول سیاست جنایی در مورد میزان اثربخشی واکنش‌های کیفری سخت‌گیرانه در کاهش جرم نیز معمولاً با بزرگ‌نمایی و ارائه تصاویر اغراق‌آمیز همراه است. این اظهارنظرها معمولاً از طرف مدیران نهادهای مسئول اجرای طرح و بدون مشخص شدن مبنای ارزیابی میزان اثربخشی ارائه می‌شود. برای نمونه، یکی از عالی‌ترین مقام‌های قضایی در مقام ارزیابی اثربخشی واکنش‌های کیفری قضایی اظهار می‌دارد: «با برخورد‌های قضایی صورت‌گرفته و بنا بر اعلام فرماندهان نیروی انتظامی، آمار سرقت‌های مسلحانه و شرارت‌ها ۲۰ تا ۲۵ و در مواردی تا ۸۰ درصد کاهش یافته است.»^{۳۳}

این در حالی است که در ادبیات پلیسی و قضایی تعریف مشخصی از عناوینی چون شرارت وجود ندارد و مشخص نیست مقام ارزیابی‌کننده چگونه توانسته است امکان جابه‌جایی جرم را از کاهش میزان جرم کنترل نماید. واگذاری مسئولیت ارزیابی واکنش‌های کیفری به نهاد مجری طرح، فقدان زیرساخت‌های آماری دقیق و علمی برای سنجش آثار پیشگیرانه طرح‌های کنترل جرم و نیز فشار افکار عمومی و رسانه‌ها بر سازمان پلیس و دستگاه قضایی را می‌توان از جمله عوامل ارائه این‌گونه گزارش‌های اغراق‌آمیز به‌شمار آورد. ارائه این گزارش‌ها موجب افزایش اعتماد عمومی به رویکردهای سخت‌گیرانه و به حاشیه رانده شدن الگوهای جرم‌شناختی و تجربی کنترل جرم خواهد شد.

۴- تأکید بر جنبه‌های نمایشی محاکمه و اجرای مجازات

رویکرد عوام‌گرایی کیفری با اتکاء به این پیش‌فرض که ناآگاهی مردم در زمینه قاطعیت نظام عدالت کیفری در رسیدگی به اتهام‌های متهمان و مجازات محکومان، از علل اصلی بی‌اعتمادی آنهاست، برای بازگرداندن اعتماد عمومی نسبت به عملکرد نهادهای عدالت کیفری از ابزارهایی مانند برگزاری دادگاه‌های نمایشی، قرائت کیفرخواست‌های مملو از واژگان امنیتی و احساسی و نیز برجسته ساختن نمادهای قاطعیت دستگاه قضایی برای برخورد با مجرمان جرایم خشونت‌بار استفاده می‌کند. در این رویکرد سناریویی، متهم معمولاً با سر و وضعی نامناسب که گاهی آثار ضرب‌و‌شتم در صورت وی نمایان است در دادگاه

۳۳. «عزم دستگاه قضایی در مبارزه با جرایم خشن»، روزنامه مآوی ۱۰۲۲، ۵ دی ۱۳۹۰، ۱.

حاضر می‌شود،^{۳۴} در جلسه دادگاه به متهم یا وکیل مدافع وی امکان کافی بر طرح دفاعیه‌های خود داده نمی‌شود، تلاش قضات دادگاه بر این است که همه چیز علیه متهم باشد تا احساسات جریحه‌دارشده مردم در اثر وقوع جرم، بیش از این آسیب نبینند، شیوه اداره جلسه دادگاه مانند نمایش فیلم یا اجرای تئاتر است و پیش‌داوری‌ها و پیش‌فرض‌های قضای مبنی بر مجرمیت متهم نیز بر جنبه‌های نمادین و سمبلیک این‌گونه جلسه‌های محاکمه می‌افزاید. جنبه‌هایی از نمایشی بودن جلسه محاکمه را می‌توان در دادگاه متهم به قتل میدان کاج به‌وضوح مشاهده کرد. در بخشی از این جلسه، ریاست دادگاه خواستار نمایش فیلمی دلخراش از صحنه جرم شد که در آن بزه‌دیده در حال جان دادن است و از رهگذران بی‌اعتنا درخواست کمک می‌کند. هرچند به دلیل بی‌تابی مادر مقتول و جیغ و داد وی نمایش این فیلم متوقف شد، با این حال نمایش این فیلم به شدت صحنه دادگاه را تحت تأثیر قرار داد و موجی از خشم و نفرت را نسبت به متهم پرونده به وجود آورد. همچنین، ریاست دادگاه تحت تأثیر فضای جانب‌دارانه خطاب به متهم اظهار می‌دارد: «تو اقرار کردی و نتیجه کارت مشخص است. ما می‌خواهیم بی‌گناهی را مجازات نکنیم. به همین دلیل از تو سؤال می‌کنیم.» زمانی که این پیش‌داوری و شیوه اظهارنظر قضای با اعتراض وکلای مدافع متهم روبه‌رو شد، قضای مذکور آنها را به تحریف اظهارات وی و تخریب جو دادگاه متهم کرد.^{۳۵}

پیشنهاد ارائه‌شده در «طرح تشدید مبارزه با جرایم خشونت‌بار» مبنی بر واگذاری صلاحیت تشخیص علنی بودن دادرسی و انتشار آن در رسانه‌ها به رئیس دادگستری استان را نیز باید از نتایج نفوذ اندیشه‌های عوام‌گرایانه به حوزه سیاست‌های کیفری و به‌ویژه تقویت جنبه‌های نمادین و نمایشی دادگاه‌ها دانست. در ماده ۱ این طرح آمده است: «به‌منظور افزایش امنیت عمومی جامعه در مواردی که به علت ارتکاب جرایم خشونت‌بار از قبیل قتل و جرح‌های بدنی عمدی، تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه، اسیدپاشی، آدم‌ربایی، جرایم منجر به ایجاد ناامنی و جرایم علیه کودکان (به تشخیص رئیس دادگستری استان) وجدان جامعه

۳۴. روند رسیدگی به پرونده قتل میدان کاج مصداق بارز این موارد است. در این پرونده، متهم با وضعیت نامطلوب، سروصورت زخمی، لباس‌های پاره و درحالی‌که زنجیر به پاهای وی بسته شده بود، در دادگاه حاضر شد و رسانه‌ها نیز تصاویری از حضور وی در دادگاه را منتشر کردند. نک: «محاکمه متهم جنایت میدان کاج»، *روزنامه شرق* ۱۱۱۸، ۱ آذر ۱۳۸۹، ۱.

۳۵. همان، ۱۸.

جریحه‌دار یا نظم عمومی جامعه مختل شود، به دستور وی دادرسی به صورت علنی و در رسانه‌های عمومی منتشر می‌شود.^{۳۶}

به نظر می‌رسد اتخاذ این رویه‌های عوام‌گرا و نمایشی معمولاً در تعارض با اصول و مبانی حاکم بر دادرسی کیفری است. بر اساس اصل ۱۶۵ قانون اساسی: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»^{۳۷} بر اساس این اصل، مرجع صالح برای تشخیص برگزاری علنی و یا غیرعلنی جلسه محاکمه، قاضی دادگاه است نه مدیران قضایی که صلاحیت قضایی برای رسیدگی به پرونده را ندارند.

علاوه بر این، از آنجایی که قاضی دادگاه نسبت به ابعاد پرونده آشنایی کامل دارد، اعطای این اختیار منطقی و صحیح است، حال آنکه رئیس دادگستری استان ممکن است تحت تأثیر فضای سیاسی و امنیتی حاکم بر منطقه و بدون در نظر گرفتن پیامدهای برگزاری علنی این محاکمه‌ها بر سرنوشت متهم پرونده، نسبت به این موضوع تصمیم‌گیری کند.^{۳۸} ضمن اینکه در این طرح مشخص نشده است چنانچه نظر رئیس دادگستری استان با قاضی رسیدگی‌کننده متفاوت باشد، نظر کدامیک ملاک عمل قرار می‌گیرد. با توجه به جایگاه بالاتر رئیس دادگستری استان، ممکن است این نظر مطرح شود که نظر رئیس دادگستری استان ملاک است، ولی به نظر می‌رسد اجبار قاضی به برگزاری علنی محاکمه در مواردی که از دیدگاه وی بیم تأثیرپذیری محاکمه از فضای عمومی جامعه می‌رود، برخلاف اصل استقلال قضایی باشد.

۳۶. برای مشاهده متن کامل طرح تشدید مبارزه با جرایم خشونت‌بار نک: «اطلاعات کامل طرح تشدید مبارزه با جرایم خشونت‌بار»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مرداد ۱۳۹۰، http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/state/794576?fk_legal_draft_oid=794575.

۳۷. برای مطالعه بیشتر در زمینه اصل علنی بودن دادرسی نک: علی خالقی، «علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی»، مجله پژوهش‌های حقوقی ۵ (۱۳۸۳)، ۴۹-۲۹.

۳۸. هرچند بر اساس تبصره ۳ طرح: «در صورت صدور قرار قطعی منع تعقیب یا حکم برائت در رسانه‌هایی که دادرسی علنی را منتشر کرده‌اند، از متهم اعاده حیثیت می‌شود»، ولی این سازوکار تدبیر مناسب و کافی برای اعاده حیثیت از متهمان این‌گونه جرایم نیست؛ زیرا در بسیاری از موارد پیامدهای برچسب‌زنی نسبت به متهمان برای مدت طولانی استمرار می‌یابد؛ بنابراین تدابیر پیش‌بینی‌شده در این طرح نه تنها در راستای اصل علنی بودن دادرسی کیفری نیست، بلکه زمینه برگزاری جلسه‌های نمایشی دادرسی را فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر، بر اساس اصل ۱۶۵ قانون اساسی، ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران به آن ملحق شده و به حکم ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون است و همچنین ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری، اصل بر غیرعلنی بودن جلسه‌های دادرسی جرایم جنسی است و تنها در موارد استثنائی و به تشخیص دادگاه جلسه‌های دادرسی به صورت علنی برگزار خواهد شد. لزوم اجتناب از ترویج و انتشار مطالب منافی عفت، حفظ آبرو و حیثیت بزه‌دیدگان و در نتیجه ضرورت پیشگیری از وقوع بزه‌دیدگی ثانویه نیز اقتضاء می‌کند که جلسه‌های رسیدگی به این پرونده‌ها به طور غیرعلنی برگزار شود. به‌ویژه آنکه در پرونده‌های مهم رسانه‌ای شده، انتشار جزئیات جلسه‌های محاکمه در رسانه‌ها و افشای هویت بزه‌دیدگان، آثار نامطلوبی بر زندگی آنها خواهد گذاشت و چه بسا بزه‌دیدگان مشابه از بیم افشای هویت، از شکایت و اقامه دعوا منصرف شوند. از این رو در عمل، جلسه‌های دادرسی این جرایم به صورت غیرعلنی برگزار می‌شود. با این حال در این ماده، جرایم جنسی در کنار دیگر جرایم خشونت‌بار ذکر و تصمیم‌گیری در زمینه برگزاری علنی دادرسی و انتشار آن در رسانه‌ها به رئیس دادگستری استان محول شده است.

علاوه بر جنبه‌های نمایشی محاکمه، شیوه اجرای مجازات محکومان جرایم خشونت‌بار نیز گاهی حالت نمادین به خود می‌گیرد و به ابزاری برای نشان دادن قاطعیت نظام کیفری در برابر مرتکبان جرایم خشونت‌بار تبدیل می‌شود. تأکید بر اجرای علنی مجازات اعدام با هدف فرونشاندن خشم و نفرت عمومی از جرم از جلوه‌های بارز این رویکرد است. بر اساس بخشنامه شماره ۱۳۸۶/۱۱/۰۹-م/۱۱۳۱۷/۸۶، احکام اعدام باید در داخل زندان اجرا شود «مگر مواقعی که به تشخیص مقامات قضایی و بنابر ضرورت‌های اجتماعی، اجرای حکم مقتضی بر انجام آن در علن باشد که در این صورت پس از کسب نظر رئیس قوه قضائیه باید اقدام گردد.»^{۳۹} تأکید بر واژه‌های مبهم و کلی مانند «ضرورت‌های اجتماعی» برای تصمیم‌گیری در خصوص اجرای علنی مجازات‌ها فرصت مناسبی را برای استفاده و تقویت جنبه‌های نمایشی اجرای کیفرها فراهم می‌آورد.

تقویت جنبه‌های برچسب‌زنی و انگ‌زنی اجرای کیفرها و گرداندن مجرمان و متهمان جرایم خشونت‌بار در محل سکونت یا محل ارتکاب جرم به شیوه‌های تحقیرآمیز نیز یکی

۳۹. معاونت آموزش قوه قضائیه، مجموعه بخشنامه‌ها (قوه قضائیه) (قم: نشر قضا، ۱۳۸۷)، جلد چهارم، ۲۳۷-

دیگر از ابعاد نمایشی اجرای کیفرهاست. همکاری مأموران پلیس و قضات دادسرا در انجام این‌گونه اقدام‌های نمایشی معمولاً با استناد به انتظارات مردم از نظام پلیسی و قضایی توجیه شده و تلاش می‌شود بر چالش‌های حقوقی و ضعف مبانی نظری چنین اقدام‌های سرپوش گذاشته شود.

از آنجایی که اجرای هرگونه مجازات منوط به صدور حکم است، گرداندن متهمانی که هنوز مجرمیت آنها در دادگاه صالح اثبات نشده، با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در تعارض است. علاوه بر این، جایگاه حقوقی گرداندن افراد در محله‌ها در میان ضمانت اجرای کیفری مشخص نیست و در قانون مجازات اسلامی چنین مجازاتی پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین توسل به این روش در تعارض آشکار با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست. از سوی دیگر، بر اساس اصل ۳۹ قانون اساسی «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.» به نظر می‌رسد گرداندن متهم و حتی محکوم‌علیه در محله‌ها و تلاش برای تحقیر و استهزای وی به هر نحوی از انحاء مانند آویختن نمادهای تحقیرآمیز به وی مصداق بارز هتک حرمت و حیثیت افراد بوده و ممنوع است.

با این حال، این اقدام‌های نمایشی گاهی نیز به شکل گروهی و در قالب عملیات ضربتی در سطح وسیعی انجام می‌شود. از جمله می‌توان به گرداندن برخی از افراد در محله‌ها تحت عنوان ارادل و اوباش در اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی اشاره کرد. بر اساس تعریف پلیس از ارادل و اوباش،^{۴۰} متهمان جرایم خشونت‌بار از مهم‌ترین افرادی هستند که در دایره این تعریف موسع قرار می‌گیرند. صرف‌نظر از استفاده از عبارت مبهم «فعالیت‌های غیرقانونی» در تعریف ارائه‌شده، بنابر اصول حقوق کیفری تنها قانونگذار، مقام صالح برای تعیین قلمرو رفتارهای مجرمانه است و مقام‌های پلیسی و قضایی فاقد این اختیار هستند. از این رو، به نظر می‌رسد اعمال این‌گونه تدابیر تحقیرآمیز و مانورگونه خود نوعی مجازات

۴۰. از دیدگاه پلیس، ارادل و اوباش به افرادی اطلاق می‌شود «که معمولاً به‌صورت فردی یا گروهی و با انجام فعالیت‌های غیرقانونی و استفاده از سلاح سرد و عربده‌کشی و ارتکاب اعمالی مانند ایراد ضرب و جرح، اخاذی، زورگیری، قمه‌کشی و ایجاد رعب و وحشت، ایجاد مزاحمت برای بانوان و درگیری خیابانی در سطح شهر، آسایش و آرامش عمومی را سلب نموده، امنیت عمومی را مختل می‌نمایند.» نک: یوسف ترابی، امیرحسین یآوری و پرویز یعقوبی، «ارزیابی عملکرد طرح ارتقای امنیت اجتماعی (مبارزه با ارادل و اوباش) از دیدگاه مردم شهرستان کرج»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی ۴ (۱۳۸۶)، ۴۸۲.

محسوب می‌شود و نیازمند مجوز قانونی است. تعامل پلیس و دادسرا در تعیین مرز رفتارهای مجرمانه، ارائه تعاریف مبهم و تفسیرپذیر از ارادل و اوباش و تعیین افعال مبهم به‌عنوان مصادیق رفتارهای ممنوعه و مجرمانه، برخلاف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست. ضمن اینکه این تدابیر احساسی و نمایش‌گونه معمولاً فاقد مبنای نظری و اهداف عینی سنجش‌پذیرند. به‌عبارت‌دیگر، در علوم جنایی تجربی به‌ندرت مبنای نظری را می‌توان یافت که این شیوه مقابله ضربتی با مقابله با جرایم خشونت‌بار را توجیه کند. با این وجود، از آنجاکه جلب اعتماد و رضایت مردم به یکی از اهداف اصلی سیاست‌های کیفری پلیسی و قضایی تبدیل شده است، مدیران نهادهای عدالت کیفری هیچ‌گونه ابایی از توسل به واکنش‌های نمادین برای نشان دادن اقتدار خود در عرصه کنترل جرم ندارند. این در حالی است که هرگونه اقدام برای مقابله با جرم باید مبتنی بر مبنای نظری و اهداف و شاخص‌های عینی سنجش‌پذیر مانند افزایش احساس امنیت، کاهش میزان جرم و یا افزایش اعتماد مردم به نهادهای عدالت کیفری استوار باشد.^{۴۱}

تجربه اجرای طرح‌های ضربتی سال‌های اخیر نیز نشان می‌دهد که توسل به تنبیه‌های بدنی شدید و ضرب و شتم افراد موسوم به ارادل و اوباش حتی گاهی با واکنش منفی مردم نیز مواجه شده و حس ترحم آنها را برانگیخته است. توسل به فرایندهای شرم‌نده‌سازی توأم با تحقیر و استهزاء موجب افزایش حس نفرت و کینه در افراد مشمول طرح نسبت به پلیس و جامعه می‌شود و ابراز ندامت‌های اجباری و تصنعی را نمی‌توان دلیلی بر بازگشت آنها به زندگی شرافتمندانه تلقی کرد. برعکس این تدابیر گاهی موجب افزایش رعب و وحشت مردم از این افراد و گسترش قلمرو و حوزه نفوذ آنها می‌شود.

فقدان اثربخشی این تدابیر تا حدودی مؤید استدلال جان پرت، جرم‌شناس نیوزلندی، در زمینه عوامل توقف نفوذ عوام‌گرایی کیفری است. از دیدگاه وی در دو حالت گسترش سیاست‌های کیفری عوام‌گرا متوقف شده و سیاست‌گذاران به کنار نهادن آن مجبور خواهند شد. اول، اهدافی که عوام‌گرایی کیفری مدنظر دارد، محقق نشود. از نظر وی از آنجایی که در عوام‌گرایی کیفری تبلیغ می‌شود که تأمین امنیت تنها از طریق برنامه‌های سخت‌گیرانه محقق می‌شود، چنانچه ناکارآمدی این تدابیر در تأمین امنیت اثبات شود، حمایت از آن کاهش خواهد یافت؛ در وهله دوم، در برخی موارد شدت عمل نامعقول موجب تزلزل در میانی

۴۱. محمد فرجیها، «پیش‌بینی و کنترل جرایم خشونت‌بار»، فصلنامه کارآگاه ۱ (۱۳۸۶)، ۱۹-۱۸.

مشروعیت سیاست‌های سخت‌گیرانه خواهد شد. به‌گونه‌ای که مردم در درازمدت نسبت به سازوکارهای سخت‌گیرانه واکنش منفی نشان می‌دهند. از این رو سیاستمداران از تداوم اجرای سیاست‌های مبتنی بر عوام‌گرایی کیفری دست خواهند کشید.^{۴۲}

نتیجه

واکنش‌های کیفری به جرایم خشونت‌بار نیز همانند دیگر حوزه‌هایی که تحت تأثیر اندیشه‌های عوام‌گرایی کیفری قرار گرفته‌اند، دستخوش تغییرات زیادی شده است. این تغییرات عموماً به صورت گرایش به پاسخ‌های سخت‌گیرانه، شتاب‌زده، احساسی، نمایشی و عامه‌پسند ظهور یافته است. طرفداران این رویکرد با اعتقاد به اینکه این سیاست‌ها موجب کاهش احساس ناامنی، افزایش بازدارندگی عمومی، ارتقای اعتماد مردم به نظام عدالت کیفری و جلب افکار عمومی می‌شوند از آنها حمایت می‌کنند. این در حالی است که توسل به پاسخ‌های کیفری عوام‌گرا احتمال نادیده گرفتن موازین دادرسی و توسل به تدابیری که مبنای علمی ندارند را افزایش می‌دهد. باین‌حال، در پرتو گسترش عوام‌گرایی کیفری به سیاست‌گذاری جرایم خشونت‌بار، کارآمدی و اثربخشی سیاست‌ها کمتر مورد لحاظ قرار گرفته و تفسیرهای خاصی از رضایت عمومی، به معیار تعیین‌کننده‌ای در تدوین و اجرای سیاست‌های کیفری تبدیل شده است. به‌رغم اجرای سیاست‌های سخت‌گیرانه، شدید و قاطع به حوادث جنایی خشونت‌بار روزمره، همچنان وقایع جنایی مشابه ارتکاب می‌یابند. این حوادث نشان می‌دهند که به‌رغم تبلیغات فراوان، تدابیر سخت‌گیرانه، اثربخشی لازم را نداشته‌اند و نتوانسته‌اند وعده‌هایی که در زمینه تأمین امنیت داده شده را محقق سازند. از این رو بسیاری از محققان علوم جنایی بر ضرورت تجدیدنظر در سیاست‌گذاری در زمینه مبارزه با جرایم خشونت‌بار و پرهیز از پاسخ‌های احساسی تأکید می‌ورزند. از دید آنها ارتکاب وقایع جنایی خشونت‌بار و عدم تغییرات ملموس در آمار ارتکاب این جرایم و همچنین امنیت عمومی شهروندان، نشان می‌دهد که کنترل و مبارزه مؤثر با این جرایم از رهگذر تدابیر پیشگیرانه، سازوکارهای مبتنی بر یافته‌های تحقیقات علمی و حرکت در چهارچوب منطقی میسر است.

42. John Pratt, "When Penal Populism Stops, Legitimacy, Scandal and Power to Punish in New Zealand," *The Australian and New Zealand Journal of Criminology* 41(3) (2008): 364-383.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- امیدی، جلیل. «ارزیابی انتقادی طرح تشدید مجازات جرایم اخلال در امنیت روانی جامعه» در *تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)*، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۴۵-۵۶. تهران: میزان، ۱۳۸۸.
- بکاریا، سزار. *رساله جرایم و مجازات‌ها*. ترجمه محمدعلی اردبیلی. تهران: میزان، ۱۳۸۵.
- ترابی، یوسف، امیرحسین یوری و پرویز یعقوبی. «ارزیابی عملکرد طرح ارتقای امنیت اجتماعی (مبارزه با ارادل و اوباش) از دیدگاه مردم شهرستان کرج». *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی* ۴ (۱۳۸۶): ۴۸۸-۴۷۹.
- جوانمردی، حسین. «ارزیابی خوانندگان مطبوعات از انتشار اخبار حوادث». *فصلنامه رسانه* ۳ (۱۳۸۴): ۶۹-۱۰۲.
- جهان‌نیوز. «قتل دلخراش دختر دانشجوی تهرانی». ۱۵ تیر ۱۳۹۰.
<http://jahannews.com/vdcftjdyjw6deea.igiw.html>
- خالقی، علی. «علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی». *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۵ (۱۳۸۳): ۲۹-۵۰.
- خبرآنلاین. «قاتل روح‌الله داداشی در ملأعام اعدام شد». ۳۰ شهریور ۱۳۹۰.
<http://www.khabaronline.ir/news-174446.aspx>
- خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا». «موافقت نمایندگان با یک فوریت طرح تشدید مبارزه با جرایم خشونت‌بار». ۹ مرداد ۱۳۹۰. ۹۰۵-۰۶۲۱۲.
<https://www.isna.ir/news/9005-06212>
- دفتر مطالعات حقوقی، «خلاصه گزارش اظهارنظر کارشناسی درباره طرح تشدید مجازات جرایم اخلال در امنیت روانی جامعه». گزارش کارشناسی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.
- سایت خبری تابناک. «جزئیات قتل یکی از قوی‌ترین مردان جهان». ۲۶ تیر ۱۳۹۰.
<https://www.tabnak.ir/fa/news/177524>
- سایت خبری تابناک. «قاتل میدان کاج قصاص شد». ۱۵ دی ۱۳۸۹.
<https://www.tabnak.ir/fa/news/140489>
- «عزم دستگاه قضایی در مبارزه با جرایم خشن». *روزنامه مآوی* ۱۰۲۲، ۵ دی ۱۳۹۰.
- فرجیها، محمد. «پیش‌بینی و کنترل جرایم خشونت‌بار». *فصلنامه کارآگاه* ۲ (۱۳۸۶): ۲۱-۷.
- «گزارش خراسان از جزئیات جلسه علنی دادگاه جنایت سعادت‌آباد». *روزنامه خراسان* ۱۷۷۰۵، ۱ آذر ۱۳۸۹.
- «محاکمه متهم جنایت میدان کاج». *روزنامه شرق* ۱۱۱۸، ۱ آذر ۱۳۸۹.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. «اطلاعات کامل طرح تشدید مبارزه با جرایم خشونت‌بار». مرداد ۱۳۹۰. ۷۹۴۵۷۶?
http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/state/794576?fk_legal_draft_oid=794575

معاونت آموزش قوه قضائیه. مجموعه بخشنامه‌ها (قوه قضائیه). جلد چهارم. قم: نشر قضا، ۱۳۸۷.

معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه. مجموعه بخشنامه‌ها (قوه قضائیه). جلد دوم. قم: انتشارات معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۲.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. مباحثی در علوم جنایی: تقریرات درس سیاست جنایی (سیاست کیفری عمل‌گرا - عوام‌گرا). دوره دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰-۱۳۸۹.

ب) منابع انگلیسی

- Campbell, Liz. "Criminal Justice and Penal Populism in Ireland." *Legal Studies* 28 (4) (2008): 559-573.
- Emsley, Clive. "Historical Perspective on Crime." In *The Oxford Handbook of Criminology*, edited by Mike Maguire, Rod Morgan, and Robert Reiner, 122-138. Oxford: Oxford University Press, 2007.
- Johnstone, Gerry. "Penal Policy Making: Elitist, Populist or Participatory?." *Punishment and Society* 2(2) (2000): 161-180.
- Levi, Michael, Mike Maguire, and Fiona Brookman. "Violent Crime." In *The Oxford Handbook of Criminology*, edited by Mike Maguire, Rod Morgan, and Robert Reiner, 687-732. Oxford: Oxford University Press, 2007.
- Marsh, H.L. "A Comparative Analysis of Crime Coverage in Newspaper in the United States and other Countries from 1960-1988: A Review of the Literature." *Journal of Criminal Justice* 19(1) (1997): 67-79.
- Mcknight, Judy. "Speaking up for Probation." *The Howard Journal* 48(4) (2009): 327-343.
- O'Brien, Martin, and Majid Yar. *Criminology: The Key Concepts*. New York: Routledge, 2008.
- Pratt, John. "When Penal Populism Stops, Legitimacy, Scandal and Power to Punish in New Zealand." *The Australian and New Zealand Journal of Criminology* 41(3) (2008): 364-383.
- Pratt, John. *Penal Populism*. London: Routledge, 2007.
- Roberts, Julian V., Loretta J. Stalans, David Indermaur, and Mike. Hough. *Penal Populism and Public Opinion: Lessons from Five Countries*. Oxford: Oxford University Press, 2003.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVII, No. 4

2019-4

- **The Respect for Competition Principle in Public Contracts**
Dr. Hasan Naemeh
- **State Terrorism: Supposition or Reality?!**
Navab Mohammadi Dehcheshmeh
- **Comparative Study of Predictability Damage Criterion in Iranian and England Laws**
Mohsen Jafari Behzadkalaee - Dr. Hamid Abhary
- **The Legal Requirements and Principles in New Iranian Petroleum Contracts (I.P.C)**
Mahdi Haghghighian - Dr. Alireza Ebrahimgol
- **The Iran's Rights to Orbital Points from the Point of View of International Law**
Farnaz Foroutanian Shahrabaki - Dr. Fatemeh Fathpour
- **The Status of Resolutions of the UN General Assembly among the Sources of International Law**
Jamshid Mazaheri
- **Legal Effects of African's Withdrawal from the International Criminal Court**
Mohammad Alipour
- **Penal Populist Reactions on Contrast of Violent Crimes in Iran**
Dr. Mohammad Bagher Moghaddasi - Dr. Mohammad Farajiha
- **Postponement of Sentences and its Consequences**
Mohammad Javad Alizadeh Goudarzi - Dr. Abolfath Khaleghi
- **The Role of Biotechnology in Right to Food**
Seyedeh Kiana Banikamali
- **Cyber War Crimes**
Author: David P. Fidler - Translator: Amin Zahmatkesh



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study